

مزامیر ایش 139

- 1 [برای سالار مغنیان. مزمور داود] ای خداوند مرا آزموده و شناخته‌های.
- 2 تو نشستن و برخاستن مرا می‌دانی و فکرهای مرا از دور فهمیده‌ای.
- 3 راه و خوابگاه مرا تفتیش کرده‌ای و همهٔ طریق‌های مرا دانسته‌ای.
- 4 زیرا که سخنی بر زبان من نیست، جز اینکه تو ای خداوند آن را تماماً دانسته‌ای.
- 5 از عقب و از پیش مرا احاطه کرده‌ای و دست خویش را بر من نهاده‌ای.
- 6 این گونه معرفت براریم زیاده عجیب است. و بلند است که بدان نمی‌توانم رسید.
- 7 از روح تو کجا بروم؟ و از حضور تو کجا بگریزم؟
- 8 اگر به آسمان صعود کنم، تو آنجا هستی! و اگر در هاویه بستر بگسترانم اینک، تو آنجا هستی!
- 9 اگر بالهای سحر را بگیرم و در اقصای دریا ساکن شوم،
- 10 در آنجا نیز دست تو مرا رهبری خواهد نمود و دست راست تو مرا خواهد گرفت.
- 11 و گفتم، یقیناً تاریکی مرا خواهد پوشانید. که در حال شب گرداگرد من روشنایی گردید.
- 12 تاریکی نیز نزد تو تاریک نیست و شب مثل روز روشن است و تاریکی و روشنایی یکی است.

اول قرننیا ایش 15

- 21 زیرا چنانکه به انسان موت آمد، به انسان نیز قیامت مردگان شد.
- 22 و چنانکه در آدم همه میمیرند در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت.
- 23 لیکن هرکس به رتبه خود؛ مسیح نوبر است و بعد آنانی که در وقت آمدن او از آن مسیح می‌باشند.
- 24 و بعد از آن انتها است وقتی که ملکوت را به خدا و پدر سپارد. و در آن زمان تمام ریاست و تمام قدرت و قوت را نابود خواهد گردانید.
- 25 زیرا مادامی که همه دشمنان را زیر پایهای خود نهد، می‌باید او سلطنت بنماید.
- 26 دشمن آخر که نابود می‌شود، موت است.
- 27 زیرا همه چیز را زیر پایهای وی انداخته است. اما چون می‌گوید که همه چیز را زیر انداخته است، واضح است که او که همه را زیر او انداخت، مستثنی است.
- 28 اما زمانی که همه مطیع وی شده باشند، آنگاه خود پسر هم مطیع خواهد شد او را که همه چیز را مطیع وی گردانید، تا آنکه خدا کل در کل باشد.

یوحنا ایش 11

- 19 و بسیاری از یهود نزد مرتا و مریم آمده بودند تا بجهت برادرشان، ایشان را تسلی دهند.
- 20 و چون مرتا شنید که عیسی می‌آید، او را استقبال کرد. لیکن مریم در خانه نشسته ماند.
- 21 پس مرتا به عیسی گفت، ای آقا اگر در اینجا می‌بودی، برادر من نمی‌مرد.
- 22 ولیکن الآن نیز می‌دانم که هر چه از خدا طلب کنی، خدا آن را به تو خواهد داد.
- 23 عیسی بدو گفت، برادر تو خواهد برخاست.
- 24 مرتا به وی گفت، می‌دانم که در قیامت روز بازپسین خواهد برخاست.
- 25 عیسی بدو گفت، من قیامت و حیات هستم. هر که به من ایمان آورد، اگر مرده باشد، زنده گردد.
- 26 و هر که زنده بُود و به من ایمان آورد، تا به ابد نخواهد مرد. آیا این را باور می‌کنی؟
- 27 او گفت، بلی ای آقا، من ایمان دارم که تویی مسیح پسر خدا که در جهان آینده است.
- 28 و چون این را گفت، رفت و خواهر خود مریم را در پنهانی خوانده، گفت، استاد آمده است و تو را می‌خواند.
- 29 او چون این را بشنید، بزودی برخاسته، نزد او آمد.
- 30 و عیسی هنوز وارد ده نشده بود، بلکه در جایی بود که مرتا او را ملاقات کرد.
- 31 و یهودیانی که در خانه با او بودند و او را تسلی می‌دادند، چون دیدند که مریم برخاسته، به تعجیل بیرون می‌رود، از عقب او آمده، گفتند، به سر قبر می‌رود تا در آنجا گریه کند.
- 32 و مریم چون به جایی که عیسی بود رسید، او را دیده، بر قدمهای او افتاد و بدو گفت، ای آقا اگر در اینجا می‌بودی،

- برادر من نمی‌مرد.
- 33** عیسی چون او را گریان دید و یهودیان را هم که با او آمده بودند گریان یافت، در روح خود به شدت مکدر شده، مضطرب گشت.
- 34** و گفت، او را کجا گذارده‌اید؟ به او گفتند، ای آقا بیا و ببین.
- 35** عیسی بگریست.
- 36** آنگاه یهودیان گفتند، بنگرید چقدر او را دوست می‌داشت!
- 37** بعضی از ایشان گفتند، آیا این شخص که چشمان کور را باز کرد، نتوانست امر کند که این مرد نیز نمیرد؟
- 38** پس عیسی باز به شدت در خود مکدر شده، نزد قبر آمد و آن غاری بود، سنگی بر سرش گذارده.
- 39** عیسی گفت، سنگ را بردارید. مرتا خواهر میّت بدو گفت، ای آقا الآن متعفن شده، زیرا که چهار روز گذشته است.
- 40** عیسی به ویگفت، آیا به تو نگفتم اگر ایمان بیاوری، جلال خدا را خواهی دید؟
- 41** پس سنگ را از جایی که میّت گذاشته شده بود برداشتند. عیسی چشمان خود را بالا انداخته، گفت، ای پدر، تو را شکر می‌کنم که سخن مرا شنیدی.
- 42** و من می‌دانستم که همیشه سخن مرا می‌شنوی؛ و لکن بجهت خاطر این گروه که حاضرند گفتم تا ایمان بیاورند که تو مرا فرستادی.
- 43** چون این را گفت، به آواز بلند ندا کرد، ای ایلعازر، بیرون بیا.
- 44** در حال آن مرده دست و پای به کفن بسته بیرون آمد و روی او به دستمالی پیچیده بود. عیسی بدیشان گفت، او را باز کنید و بگذارید برود. توطئه قتل عیسی
- 45** آنگاه بسیاری از یهودیان که با مریم آمده بودند، چون آنچه عیسی کرد دیدند، بدو ایمان آوردند.